

## نقش عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه از دیدگاه قرآن و روایات

محمدحسین فهیم‌نیا\*

احسان کردی اردکانی\*\*

مهدی قانعی اردکان\*\*\*

### چکیده

حیات از کلیدواژه‌هایی است که در قرآن و روایات اشاره‌های گوناگونی به آن شده است. یکی از مراتب حیات، حیات طیبه است که عبادت یکی از راه‌های رسیدن به آن است. مسئله اصلی پژوهش این است که آیات قرآن کریم و روایات چه نقش و جایگاهی را برای عبادت در رسیدن به حیات طیبه در نظر می‌گیرند؟ شیوه پژوهش این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی است. در این مقاله، ضمن اشاره به تشکیکی بودن عبادت، معنویت، مراتب حیات بررسی می‌شود. نتایج حاصل از مقاله آن است که عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه آثار درخور توجهی دارد؛ مانند تسلیم، خروج از غفلت، حصول تقوا، آزادگی و ترک تعلق، آسان شدن مسئولیت‌های سنگین، بازدارندگی از زشتی‌ها و گناهان، آرامش‌دهنده دل‌ها، ارزش‌دهنده به کار مادی، آسیب‌زدایی از مسیر حیات طیبه.

### واژگان کلیدی

عبادت و معنویت، درجات حیات، آسیب‌زدایی از حیات طیبه

fahim@yazd.ac.ir

e.kordi@ardakan.ac.ir

ghanei@ardakan.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵

\*. عضو هیئت علمی گروه معارف، دانشگاه یزد.

\*\* عضو هیئت علمی گروه معارف، دانشگاه اردکان (نویسنده مسئول).

\*\*\* عضو هیئت علمی گروه معارف، دانشگاه اردکان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

## مقدمه

عبادت در اسلام دارای اهمیت و درجه رفیع است؛ تا بدانجا که قرآن فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۱</sup> نیافریدم جن و انس را مگر برای آنکه عبادت کنند». ارزش اصلی دعا نیز به بحث عبادت برمی‌گردد؛ زیرا کسی که دعا می‌کند خود را به عنوان عبد، محتاج و نیازمند در پیشگاه حق قرار می‌دهد. در روایات تأکید شده است حتی چیزهای بی‌ارزش را از خداوند بخواهیم. خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی، هرچه نیاز داری از من بخواه؛ حتی علف گوسفندت و نمک غذایت را».<sup>۲</sup> این موارد نشان‌دهنده اهمیت عبودیت و تذلل در پیشگاه باعظمت خداوند است.

آثار عبادت در قرآن و روایات فراوان تبیین شده است. درحقیقت، مقولاتی مانند یقظه، اراده، ریاضت، خلوت، صمت، مراقبت، محاسبیت و معاقبت نفس برای نیل به مقام عبودیت از رهگذر عبادت است.<sup>۳</sup> گرچه به لحاظ اهمیت موضوع، ابعاد عبادت در معارف اسلامی به مناسبت‌های گوناگون بیان شده و دانشمندان اسلامی از زوایای مختلف به بررسی آن پرداخته‌اند، کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای نیست که به بحث درباره «نقش عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم و روایات» بپردازد. در ادامه، به تحقیقاتی که قرابتی به عنوان تحقیق مذکور دارند اشاره می‌شود:

۱. مقاله «نقش دعا در تکامل معنوی انسان»:<sup>۴</sup> در این مقاله، نویسنده ضمن بررسی حقیقت دعا و کمال حقیقی انسان، به تحلیل چگونگی تأثیر دعا در کمال معنوی انسان پرداخته است؛
۲. مقاله «نقش اخلاص در عبادات برای رسیدن به حیات معنوی»:<sup>۵</sup> هدف از آن بررسی عنصر اخلاص در عبادت برای رسیدن به حیات معنوی است. آثاری که برای اخلاص در عبادت در این مقاله برشمرده شده عبارت‌اند از: منشأ صفات فضیله و دوری از صفات رذیله، تقرب به خدا و پذیرش اعمال، معنا بخشیدن به زندگی، رستگاری و شادکامی و ارزشمندی و برتری انسان؛
۳. مقاله «تأثیر نماز و نیایش در تقویت ابعاد معنوی انسان»<sup>۶</sup> که به بررسی تأثیر نماز بر انسان در چهار بعد آرامش روح و روان، استقامت، صداقت و امیدواری می‌پردازد.

---

۱. ذاریات / ۵۶.

۲. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۹۰، ص ۳۰۳.

۳. رودگر، «تمهیدات سلوک تا شهود در نهج البلاغه با تأکید بر شرح ابن‌میثم»، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، ص ۱۱.

۴. فهیمی، «نقش دعا در تکامل معنوی انسان»، دوفصلنامه تخصصی کلام حکمت.

۵. دهقانی و همکاران، «نقش اخلاص در عبادات برای رسیدن به حیات معنوی»، در: *کنفرانس دین، معنویت و کیفیت زندگی*.

۶. کشاورز، «تأثیر نماز و نیایش در تقویت ابعاد معنوی انسان»، مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش.

تفاوت این مقاله با تحقیقات دیگر این است که به نقش عبادت در حیات طیبه انسان و کارکردهای آن به صورت موردی می‌پردازد و نیز مستند آن آیات قرآن و روایات است. در واقع، مبنای بررسی نقش عبادت در حیات طیبه آیات و احادیث است و ضمن تحلیل آن، به این موارد دست می‌یابد، و این چیزی است که در مقالات گذشته بدان اشاره نشده است. بنابراین، این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که آیات قرآن کریم و روایات چه نقش و جایگاهی را برای عبادت در رسیدن به حیات طیبه در نظر می‌گیرند. قطعاً عبادت و تسلیم خالصانه در پیشگاه خداوند متعال با توجه به اهمیت عظیمی که دارد، نقش و آثار ارزشمندی در بالا بردن فضیلت و کمالات انسان خواهد داشت. این پژوهش در آغاز، به تبیین مفاهیم به‌کاررفته در این مقاله می‌پردازد و سپس، مراتب حیات را از دیدگاه قرآن و روایات بررسی می‌کند و در بخش بعد، به نقش عبادت در تحصیل و رشد حیات طیبه می‌پردازد.

### مفهوم‌شناسی

در این مقاله، مفاهیمی مانند ایمان، عبادت و معنویت به کار رفته است، که دارای یک درجه خاص نیستند، بلکه از مقولات تشکیکی و دارای سلسله‌مراتب‌اند که توجه به آنها و فهمشان نه تنها در این نوشتار، بلکه در کلیت دین، جایگاه و کاربرد مهمی دارد.

ایمان دارای مراتبی است که از ورود به اسلام و به‌عبارت‌دیگر، از اسلام ابتدایی شروع می‌شود:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا.<sup>۱</sup>

اعرابیان گفتند ایمان آورده‌ایم. بگو هنوز ایمان [حقیقی] نیاورده‌اید. بهتر است بگویید اسلام آورده‌ایم.

اسلام ابتدایی ادامه پیدا می‌کند تا به اسلام انتهایی و ابراهیمی ختم می‌شود:

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.<sup>۲</sup>

چون پروردگارش به او گفت فرمان‌بر باش، گفت فرمان‌بر پروردگار جهانیانم.

عبادت نیز از مقولات تشکیکی و دارای مراتب است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت به تعداد عبادت‌کنندگان مرتبه عبادی وجود دارد. در این باره، روایت مشهوری در *نهج البلاغه* از حضرت امام

۱. حجرات / ۱۴.

۲. بقره / ۱۳۱.

علی علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید:

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ،  
وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.<sup>۱</sup>

گروهی خدا را از روی میل به ثواب عبادت کردند و این عبادت تاجران است، و گروهی از ترس کیفر عبادت کردند و این عبادت بردگان است، و گروهی به خاطر سپاسگزاری عبادت کردند و این عبادت آزادگان است.

بر اساس این حدیث و احادیث مشابه آن، عبادت به سه مرتبه تقسیم شده است: عبادت بردگان، تاجران و عارفان.

### عبادت

به راه هموار که تسلیم و رام است و با هر سرعتی می‌توان در آن حرکت کرد «طریق معبد» گفته می‌شود. به برده نیز از آن جهت که در برابر دستوره‌های مولا گوش‌به‌فرمان است و اوامر او را به صورت کامل انجام می‌دهد، عبد گفته می‌شود و عبادت از این ریشه گرفته شده است.<sup>۲</sup>

در تعریف اصطلاحی عبادت به نقل از خواجه نصیرالدین طوسی چنین آمده است:

عبادت عبارت از آن بود که تعظیم و تمجید خالق خویش و مقربان حضرت او، چون ملائکه و انبیا و ائمه و اولیا و طاعت و متابعت ایشان و انقیاد اوامر و نواهی صاحب شریعت را ملکه کند و تقوا را که متمم و مکمل این معنا بود شعار و آثار خود سازد.<sup>۳</sup>

عبادت دو قسم است:

۱. عبادت عام: به این معنا که تمام حرکات انسان به سمت خدا، عبادت و بندگی است؛ همان چیزی که قرآن در آیه معروف خود برای رسیدن به حیات طیبه شرط می‌کند و آن را تحت عنوان عمل صالح نام می‌برد:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً.<sup>۴</sup>

هرکس از مرد یا زن که کار نیک کند و مؤمن باشد، به زندگانی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم و به بهتر از آنچه کرده‌اند پاداششان را می‌پردازیم.

۱. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، حکمت ۲۳۷.

۲. فیروزآبادی، القاموس المحيط، ص ۲۶۹.

۳. سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۲۶۶.

۴. نحل / ۹۷.

بنابراین، عملی که این شرایط را داشته باشد عمل صالح و عبادت خواهد بود و عنوان بندگی پیدا خواهد کرد: ۱. همراه بودن با ایمان؛<sup>۱</sup> ۲. توأم بودن با اخلاص؛<sup>۲</sup> ۳. همراه بودن با اختیار؛<sup>۳</sup> ۴. برخوردار بودن آن عمل در ماهیت خود از صلاحیت، نه از فساد؛<sup>۴</sup> ۵. کاربردی بودن.<sup>۵</sup>

اگر عملی با این شرایط حداقل پنج‌گانه انجام گیرد، از نوع عبادات خواهد بود (عبادت به معنای عام). ممکن است با دقت در آیه مورد بحث، شرایط پنج‌گانه درباره معرفی عمل صالح را از خود این آیه شریفه استنباط کنیم: شرط ایمان «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» تصریح شده، در واجبات تعبدیه اخلاص شرط عبادت است و عمل بدون اخلاص نمی‌تواند به حیات طیبه منتهی شود؛ اما از جهت «اختیار» عمل به «مَنْ» نسبت داده شده است و به تصمیم او بستگی دارد. صالح بودن نیز با صراحت در خود آیه آمده است. اگر عملی کاربردی نباشد، مصداق لعب، اسراف، بیهوده و مانند آن است و قطعاً حیات طیبه از آن پدید نخواهد آمد؛

۲. **عبادت خاص:** منظور از عبادت خاص عملی است که دستور بخصوص داشته باشد و نمی‌توان ذره‌ای در آن چهارچوب معین شده کم و زیاد کرد؛ مانند نماز، روزه و حج.<sup>۶</sup>

این قسم دوم دارای دو شاخه واجبات و مستحبات است. واجبات همان عباداتی است که لازم است به‌طور قطع انجام شود و ذره‌ای تخلف نشود؛ اما از آنجا که نمی‌توان بندگی خدا را محدود کرد و افراد زیادی هستند که علاقه دارند به این حداقل اکتفا نکنند، خداوند مسیر مستحبات را نیز گشوده است.

## حیات طیبه

### تعریف حیات

ماهیت بسیاری از حقایق برای ما روشن نیست و لذا قابل تعریف هم نیستند. به همین جهت، دانشمندان علوم گوناگون ناچار می‌شوند چنین حقایقی را با اوصافی که دارند تعریف کنند.

یکی از این موارد کلمه حیات است. واقعیت وجودی این حقیقت را تنها به کمک بیان خصوصیات آن می‌توان توضیح داد. به همین دلیل، بعضی مفسران قرآن حیات را به این بیان شرح داده‌اند:

۱. نحل / ۹۷.

۲. زمر / ۱۱.

۳. مزمل / ۱۹.

۴. غافر / ۵۸.

۵. عصر / ۳.

۶. حلی، نزهة الناظر، احمد تحقیق حسینی اشکوری، ص ۵.

دانایی و توانایی دو پایه و نشانه اصلی حیات‌اند؛ یعنی با هم جمع شدن دانایی و توانایی زندگی‌ساز و حیات‌بخش است.<sup>۱</sup>

در تعریف و چگونگی حیات میان قدمای فلاسفه اختلاف هست و به این مسئله، هم از لحاظ ماهوی هم از لحاظ وجودی توجه و درباره آن بحث شده و تعاریفی چند درباره آن شده است:

زندگی و حیّ یعنی زنده و حیوان؛ یعنی موجود زنده و ذو حیات. حیات هر موجودی به‌طور عام عبارت از منشائیت آثار آن موجود است. حیات امری است که منشأ قدرت و علم می‌باشد.<sup>۲</sup>

## مراتب حیات

حیات در قرآن کریم دارای مراتبی است که می‌توان در هشت مرتبه بازشناسی کرد.

### ۱. حیات نباتی

اولین مرتبه از مراتب حیات از نگاه قرآن کریم حیات نباتی است. آیات در قرآن کریم حکایت از حیات ارض و زمین دارد. روشن است که تبلور و جلوه حیات زمین در نباتات و گیاهان مشاهده می‌شود. ویژگی حیات نباتی رشد است. این رشد و سرسبزی مدتی ادامه دارد تا زمانی که حیات آن به پایان برسد:

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ.<sup>۳</sup>  
و خداوند از آسمان آبی فر فرستاد و با آن زمین را پس از پژمردنش زنده کرد. بی‌گمان در این برای کسانی که گوش شنوا دارند مایه عبرت است.

### ۲. حیات حیوانی

دومین مرحله از مراحل حیات از دیدگاه قرآن کریم حیات حیوانی است. از عنوان حیوان، موجود صاحب حیات استفاده می‌شود؛ همان‌طور که لغویین هم به این مطلب اشاره دارند.<sup>۴</sup> «اصطلاح فلسفی» حیوان جوهر یا جسم نامی متحرک بالاراده است.<sup>۵</sup> حیوانات علاوه بر رشد، احساس نیز دارند. گرچه قرآن به موضوع حیوانات پرداخته و حدود ۲۵ نوع آن را نام برده است،<sup>۶</sup> کلمه «حیوان» به

۱. انصاری، مشکات، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، ص ۳۱۸.

۳. نحل / ۶۵.

۴. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۱۱.

۵. سبزواری، شرح منظومه، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، ج ۱، ص ۲۳۲.

۶. رشدی الزین، المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۸۳.

معنایی که ما به کار می‌بریم ظاهراً در قرآن پیدا نمی‌شود؛ اما واژه مقابل آن ذکر شده است. در قرآن واژه «میتة» به معنای حیوان مرده به کار رفته است:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِيُغَيَّرَ اللَّهُ.<sup>۱</sup>

بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نامی جز نام خدا به هنگام ذبحش برده باشند.

میتة به حیوانی می‌گوییم که اکنون فاقد روح و حیات است و روح از بدنش خارج شده است؛<sup>۲</sup> برخلاف میت که به معنای موجودی است که استعداد مردن را دارد یا مرده است. خداوند متعال به پیامبر می‌گوید: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ»<sup>۳</sup> سپس شما پس از اینها میرا هستید».

### ۳. حیات انسانی

از درجات حیات در قرآن کریم، به لحاظ قوه عقل و تفکری که انسان در میان حیوانات دارد، «حیات انسانی» است. منظور از حیات انسانی در اینجا آن است که انسان می‌تواند از جزئیاتی که می‌بیند کلی بسازد و نتیجه‌گیری کند؛ برخلاف حیوانات که جزئی می‌بینند و جزئی زندگی می‌کنند و لذا تحول و دگرگونی قابل‌ذکری در زندگی آنان مشاهده نمی‌شود.<sup>۴</sup>

به سبب قدرت فکری و عقلی که خدا به بشر داده است، اگر دین را برای او نمی‌فرستاد، گرچه زندگی هدفمند نداشت و به سعادت اخروی نمی‌رسید، بعید نبود که بتواند زندگی مادی خود را مدیریت کند و سر و سامان دهد:

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ<sup>۵</sup>.

چگونه به خداوند شرک می‌ورزید، حال آنکه بی‌جان بودید و [او] به شما جان بخشید، سپس شما را می‌میراند؟

این آیه به چند مرحله اشاره می‌کند: اول که ما خاک و مرده بودیم؛ سپس به ما حیات داده شد و به دنیا آمدیم. ادامه آیه که به مراحل بعدی حیات اشاره می‌کند، در اینجا مورد بحث نیست.

۱. مائده / ۳.

۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۴۹۷.

۳. مؤمنون / ۱۵.

۴. مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۵۵.

۵. بقره / ۲۸.

#### ۴. حیات طیبه

از مراتب مهمی که قرآن کریم درباره حیات به طور صریح و آشکار سخن به میان آورده «حیات طیبه» است. از مسائل مسلم و تجربه شده این است که انسان اگر اعتقادات صحیح و دقیقی داشته باشد و اعمال صالحی را متفرع بر آن انجام دهد، آثار مهمی در زندگی او از جهت انگیزه، فکر، شادابی و غیره دیده خواهد شد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.<sup>۱</sup>

هر کس از مرد یا زن که کار نیک کند و مؤمن باشد، به زندگانی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم و به بهتر از آنچه کرده‌اند پاداششان را می‌پردازیم.

این مرحله از حیات و تحول در بین انسان‌ها عمومیت ندارد؛ گرچه خداوند متعال در مقام تشریح، آن را برای همه انسان‌ها خواسته است. حیات ایمانی اگر حاصل شد، در مراتب یا حیات‌های بعدی موجود اثر مستقیم و مثبت خواهد داشت.

#### ۵. حیات برزخی

یکی از مراحل مهم حیات در قرآن کریم که حد فاصل حیات دنیا و قیامت است، «حیات برزخی» است. بیش از ده آیه از آیات قرآن دلالت بر وجود برزخ می‌کند. یکی از این آیات که قابل هیچ‌گونه توجیهی نیست آیه ۲۸ سوره بقره است:

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.<sup>۲</sup>

چگونه به خداوند کفر می‌ورزید، حال آنکه بی‌جان بودید و [او] به شما جان بخشید؟ سپس شما را می‌میراند و دوباره زنده می‌کند، آن‌گاه به سویش بازگردانده می‌شوید.

در چند سطر پیش، به این آیه اشاره شد که توضیح کامل‌تر آن این است: اول ما خاک و مرده بودیم؛ سپس به ما حیات داده شد و ما به دنیا آمدیم؛ پس از آن «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ»؛ شما را بعد از مردن، زنده می‌کند، که عالم برزخ است؛ از این مرحله که بگذریم، آخرین مرحله حیات که قیامت است می‌رسد: «ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». بنابراین، با این توضیح به هیچ‌وجه نمی‌توان مرحله برزخ را از این آیه شریفه نادیده گرفت.<sup>۳</sup>

۱. نحل / ۹۷.

۲. بقره / ۲۸.

۳. سبحانی، *الإلهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل*، ج ۴، ص ۲۳۴.



بین زندگی کنونی دنیا و واقعه عظیم قیامت مرحله ای است که بر اساس ادله عقلی قطعی و نقلی، انسان در آن خواهد بود.

## ۶. حیات اخروی

در آخرین مرتبه حرکت انسان که به قیامت ختم می‌شود، قرآن کریم با تعابیری متنوع، از حیاتی سخن می‌گوید که به بیان قرآن، از نظر اهمیت، در فضای مادی دنیا قابل وصف نیست. حدود ۱۵۰۰ آیه از قرآن در باب قیامت است و حکایت از این حیات حقیقی می‌کند. حیات دنیا را در برابر حیات حقیقی آخرت می‌توان حیات مجازی دانست؛ زیرا تمام‌شدنی است، برخلاف حیات اخروی:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ<sup>۱</sup>

و این زندگانی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و اگر می‌دانستند، بی‌گمان سرای آخرت کانون زندگی است.

## ۷. حیات حضور و عند رب

یکی از انواع حیات که در قرآن کریم به‌طور صریح آمده، با وصف «عند رب» همراه شده است. میان انسان‌ها در قیامت گروهی هستند که ارتباط ویژه‌ای با خداوند متعال دارند. این رابطه به‌گونه‌ای است که واژه‌های مورد کاربرد در امور دنیوی ظرفیت بیان آن واقعیت را ندارند. منظور از این حیات، آن زندگی‌ای است که خداوند متعال به شهدا می‌دهد:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ<sup>۲</sup>

و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه ایشان زنده‌اند و در نزد پروردگارش روزی دارند.

## ۸. حیات ذاتی

عالی‌ترین درجه حیات که در قرآن کریم مکرر بر آن تأکید شده، متعلق به ذات باری تعالی است. انواع و مراتب حیاتی که توضیح داده شد از خود موجودات زنده نیست؛ چه حیات نباتی، حیوانی و انسانی که مستقیم خدا می‌دهد و چه حیات طیبه که با هدایت خداوند متعال و با تلاش بندگان به دست می‌آید. کیفیت حیات برزخی، آخرتی و حضوری گرچه به کوشش انسان مرتبط است، شکی نیست که لطف

۱. عنکبوت / ۶۴

۲. آل عمران / ۱۶۹

ایزدمنان همراه آن موفقیت هاست. بنابراین، منشأ همه این حیات‌ها از حیات ذاتی خداوند است: «اللَّهُ لَنَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ؛<sup>۱</sup> خداوند است که جز او خدایی نیست؛ زنده و پاینده است».

در میان انواع حیات، محوری‌ترین و مهم‌ترین حیات بعد از حیات ذاتی، حیات طیبه و ایمانی است. اصل بحث در این مقاله این است که عبادات چه تأثیری در تقویت حیات طیبه دارند. طبیعی است شناخت چنین حقیقتی با ابزار مادی قابل محاسبه نیست و لازم است به منابع دینی شامل قرآن، *نهیج البلاغه* و کتب حدیثی مراجعه شود.

نکته مهم دیگر آن است که آثار معنوی عبادت بستگی به درجات آن عبادت دارد. بنا به مفاد حدیث امام علی علیه السلام که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، هیچ‌گاه عبادت عارفان با عبادات تاجران و بردگان یکی نیست.

## حیات طیبه از نگاه قرآن و روایات

انواع حیاتی که مستقیم یا غیرمستقیم با آنها مرتبط هستیم و به غیر از حیات ذاتی، بقیه در طول هم قرار دارند، به سه بعد تقسیم می‌شوند:

### ۱. حیات جبری و دنیوی مرتبط با موجودات مادی

این حیات به سه قسم تقسیم می‌شود: ۱. نباتی؛ ۲. حیوانی؛ ۳. انسانی.

### ۲. حیات اختیاری و ارزشی (طیبه)

زمینه این قسم دوم را خداوند متعال برای ما انسان‌ها فراهم کرده است. این بعد دوم دارای دو ویژگی است:

اولاً امکان ایجاد آن فراهم است به دلیل آیه:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.<sup>۲</sup>

هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد؛

ثانیاً قابل رشد و ارتقا است:

۱. بقره / ۲۵۵.

۲. نحل / ۹۷.

نقش عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه از دیدگاه قرآن و روایات □ ۱۲۱

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.<sup>۱</sup>

مؤمنان همان کسانی هستند که چون یاد خدا به میان آید، دل‌هایشان خشیت گیرد و چون آیات او را بر ایشان بخوانند، بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگارشان توکل کنند.

دو رکن از این حیات را می‌توان ایمان و عمل صالح ذکر کرد. در قرآن ده‌ها بار به تلازم این دو رکن اشاره شده است. ممکن است از باب تشبیه معقول به محسوس، این مطلب را به انسانی تشبیه کنیم که چراغی در دست دارد و در تاریکی به سمت یک هدف معین گام برمی‌دارد. نور راه را برای او روشن می‌کند و گام برداشتن و عمل باعث نزدیک شدن و رسیدن به هدف خواهد شد.

### ۳. حیات پس از حیات (پس از مرگ)

این بُعد از حیات شامل دو نوع حیات برزخی و اخروی است. البته در این میان، در هر دو مرحله مرتبه ویژه‌ای از حیات وجود دارد که مخصوص شهیدان و مجاهدان در راه حق است. یکی از مستندات قرآنی برزخ و قیامت این آیه است:

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَلَّيْنِ وَأَحْيَيْنَا أَلَّيْنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ.<sup>۲</sup>  
گویند پروردگارا، ما را دوباره زنده کردی. ما به گناهانمان اعتراف کرده‌ایم. پس آیا برای بیرون رفتن [از اینجا] راهی هست؟

این آیه شامل هر دو حیات برزخی و آخرتی است. آیه ۱۶۹ آل عمران نیز به روشنی حکایت از حیات ویژه شهیدان در راه حق دارد:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.  
و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه اینان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی دارند.

### نقش عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه

نقش عبادت در تحصیل حیات طیبه را می‌توان در این زمینه‌ها در قرآن کریم جست‌وجو کرد:

۱. انفال / ۲.

۲. غافر / ۱۱.

## ۱. تسلیم

عبادت با ایجاد روحیه تسلیم می‌تواند باعث ارتقای حیات طیبه انسان شود. بندگی در برابر پروردگار و ارتباط با حضرت حق مراتب دارد. به عنوان نمونه، سه واژه در این باره بررسی می‌شود:

الف) توکل: کارهای خود را به خدا حواله کردن و از هر عامل دیگری در امور خود دوری جستن.

ب) تفویض: واگذاری امری به کسی تا آنکه آن شخص چیزی را که ما می‌خواهیم برای ما حاصل کند؛

ج) تسلیم: واگذاری موضوعی به خداوند متعال بدون آنکه اصرار داشته باشیم ما را به چیزی که دوست داریم برساند. به همین دلیل است که برای اسلام دو مرحله ذکر می‌کنند: اسلام ابتدایی (زمانی که مسلمان می‌شود)؛ اسلام انتهایی؛ و این همان است که قرآن درباره حضرت ابراهیم علیه السلام گزارش می‌کند:

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمِ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۱</sup>

چون پروردگارش به او گفت فرمان بر باش، گفت فرمان بر پروردگار جهانیانم.

بر همین اساس، شرط اصلی در عبادت صحیح، اخلاص است؛ یعنی حتی یک درصد از انجام آن عمل، تسلیم در برابر غیر خداوند نیست. طبیعی است هستی عبادت به طور مطلق نتیجه‌بخش به نظر می‌رسد. به عنوان مثال، نماز به عنوان یکی از بارزترین مصادیق عبادت دارای مراحل و فراز و فرود است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۲</sup> نماز را به یاد من بر پا دار.

بنابراین، رسیدن به حیات طیبه نتیجه طبیعی عبادت خالصانه و بارزترین مصداق عمل صالح است (عبادت به معنای عام و خاص آن) که شرط حیات پاکیزه است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

پس برای مسلمانان زکات (زکات هم از عبادات است) با نماز وسیله آشنایی قرار داده شده است (ادای آن مانند نماز وسیله تقرب به خداست). هرکس آن را با میل و رغبت و خوش‌دلی ادا کند برای او کفاره و پوشاننده گناهان و مانع و نگاه‌دارنده از آتش دوزخ است؛ و نباید کسی که آن را پرداخت به یاد آن باشد، و نباید از آن بسیار اندوه به خود راه دهد؛ زیرا به یاد مال بودن و اندوه خوردن بر اثر علاقه به دارایی است و علاقه به آن منافی با تقرب به خداست.<sup>۳</sup>

## ۲. خروج از غفلت

از دیگر زمینه‌ها و آثار عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه می‌توان به فراهم‌سازی خروج انسان از

۱. بقره / ۱۳۱.

۲. طه / ۱۴.

۳. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، خطبه ۱۹۹.

غفلت اشاره کرد؛ همان‌طور که خداوند متعال فلسفه نماز را رسیدن به یکی از اصلی‌ترین اهداف اخلاق اسلامی که از بین بردن غفلت است می‌داند:

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي.<sup>۱</sup>

همانا من خداوندم که جز من خدایی نیست. پس مرا پرست و نماز را به یاد من بر پا دار.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا \* وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا.<sup>۲</sup>

ای مؤمنان، خداوند را بسیار یاد کنید و او را در بامداد و شامگاه نیایش کنید.

درواقع، توجه به خداوند و عبادت دائمی او پرده غفلت را از دید انسان کنار می‌زند و این باعث می‌شود بنده دائماً خود را در محضر مولایش بداند و هرچه باعث رضایت اوست انجام دهد و از هرچه مرضی او نیست دوری گزیند. علامه طباطبایی در تفسیر *المیزان* می‌فرماید:

ملک از آنجا که قوام هستی‌اش به مالک است، دیگر تصور ندارد که خودش حاجت و حائل از مالکش باشد، یا مالکش از او محجوب باشد. مثلاً وقتی جنابعالی به خانه زیدی نگاه می‌کند، این نگاه تو دو جور ممکن است باشد: یکی اینکه این خانه، خانه‌ای است از خانه‌ها. در این نظر، ممکن است زید را نبینی و اصلاً به یاد او نباشی؛ و اما اگر نظرت بدان خانه از این جهت باشد که خانه زید است، در این صورت ممکن نیست که از زید غافل شوی، بلکه با دیدن خانه، زید را هم دیده‌ای؛ چون مالک آن است؛ و از آنجایی که برایت روشن شد که ماسوای خدا به جز مملوکیت، دیگر هیچ چیز ندارند، و مملوکیت حقیقت آنها را تشکیل می‌دهد، دیگر معنا ندارد که موجودی از موجودات و یا یک ناحیه از نواحی وجود او از خدا پوشیده بماند و محجوب باشد؛ همچنان که دیگر ممکن نیست به موجودی نظر بیفکنیم و از مالک آن غفلت داشته باشیم.<sup>۳</sup>

### ۳. حصول تقوا

از دیگر زمینه‌ها و آثار عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه می‌توان به تقوا که از وقایه به معنای نگاه‌داری است اشاره کرد؛ و به این معناست که انسان با تقویت ایمان و ممارست و دقت در انجام واجبات و ترک محرّمات، به نیروی تحفظ دست پیدا کند و به تعبیری دیگر، به ترمز قوی و دقیق معنوی برسد. بنابراین، گناه نکردن لازمه تقواست، نه آنکه معنای لغوی و تطبیقی آن باشد. نکته دیگری که باید بدان

۱. طه / ۱۴.

۲. احزاب / ۴۲ - ۴۱.

۳. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۴۱.

توجه کرد این است که تسلط بر تمایلات نفسانی و وساوس شیطانی تنها شامل ترک گناه نیست، بلکه اعم از انجام واجبات یا ترک محرمات است. پس، هم جنبه اثبات دارد و هم نفی. بنابراین، تلاش برای به دست آوردن این قدرت که پشتوانه ما در انجام وظیفه است عین عبادت و بندگی خدا خواهد بود. زمینه‌سازی اطاعت از خداوند متعال و مخالفت با شیطان عین حیات طیبه و پاکیزه‌ای است که خداوند از ما خواسته است.

#### ۴. آزادگی و ترک تعلق

اثر دیگر عبادت فراهم کردن زمینه وابسته نبودن به دنیا و ترک تعلق به آن است. یکی از عبادات خاصه که نقش مهمی در ارتقای حیات طیبه دارد و از سه عبادت برتر به شمار می‌آید حج است. یکی از مواردی که قرآن به آن پرداخته از آیه ۲۵ سوره حج تا ۳۷ آن سوره است. در یکی از این آیات آمده است: «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»<sup>۱</sup> و پیرامون بیت عتیق طواف کنند.

طواف رکن عمره و حج است و هیچ عملی مثل طواف در حج اهمیت ندارد. عتیق از عتق دو استعمال دارد: ۱. کهنه و فرسوده؛ ۲. از عتاق و رهایی. طبق این معنا عتیق به معنای مُعْتِق یعنی رهایی‌بخش است.<sup>۲</sup> در عبادات دو چیز مهم است:

مقام اجزا با مقام قبول فرق می‌کند. منظور از اجزا آن است که ما وقتی عملی را طبق کتب فقهی معتبر انجام دادیم، از نظر انجام وظیفه کافی است و ما وظیفه ظاهری و واجب خود را انجام داده ایم و در این باره عذاب نخواهیم شد. اما بعد دیگر عمل محتوا و موضوع قبول شدن عمل است. اگر انجام عبادت به گونه‌ای بود که رشد معنوی به ما داد و به اصطلاح کلاس معنوی ما را بالاتر برد، این موفقیتی فوق‌العاده است. هرچه حضور قلب در عبادت بیشتر شد، درجه قبول بالاتر می‌رود. متأسفانه، همت جامعه بر قالب عبادات، نه محتوای آن است. البته قالب و ظاهر هم مهم است و باید دقیق و درست انجام گیرد؛ اما متأسفانه در عبادات به خصوص در عمل بسیار مهم حج، حجاج و دست‌اندرکاران حج عمدتاً روی قالب و سخت‌افزار این عبادت مهم متمرکزند و حال آنکه حیات طیبه انسان و جامعه به محتوا، آسرار و اخلاص بستگی دارد. انسان باید باطن حج را که در رشد حیات طیبه مؤثر است در زندگی خود سرایت دهد: کسی که در ایام احرام به آینه نگاه نمی‌کند، نباید خودبین از حج برگردد؛ کسی که در آنجا حتی یک پشه نمی‌کشد، نباید ظلم کند؛ کسی که در آن حالت زینت نمی‌کند، باید سخت‌کوش و پرتلاش باشد. اصطلاحاً وقتی انسان توجه به نامحدود دارد دیگر توجهی به محدود نخواهد داشت.

۱. حج / ۲۹.

۲. راغب اصفهانی، *المفردات*، ص ۵۴۵.

امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌گویند: «وَتَطْلُقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبِّقِ؛<sup>۱</sup> و رها می‌کند مانند رها کردن بندها [از گردن چهارپایان]». پس عبادت در واقع درمان عقده‌های روانی و اخلاقی نیز هست. امام در ادامه می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز را به چشمه آب گرم تشبیه فرمودند که بر در خانه مردی باشد و شبانه‌روز پنج نوبت از آن شست و شو کند. پس [معلوم است] دیگر بر چنین کسی چرکی باقی نخواهد ماند. حضرت می‌خواهند بگویند اثر این عبادت در روح و روان انسان به‌گونه‌ای است که روح او را جلا می‌دهد و آزاد می‌کند و چرکی و آلودگی در روح باقی نمی‌گذارد. در واقع، این روایات اشاره به نقش آسیب‌زدایی از حیات ارزشمند طیبه دارند.

### ۵. آسان شدن مسئولیت‌های سنگین

از دیگر زمینه‌ها و آثار عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه، سبک شدن وظایف اجتماعی است. بنا بر نقل بعضی مورخان، رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از نزول شش آیه اول سوره علق، از کوه حرا پایین رفتند. در خود احساس خستگی و سنگینی مسئولیت بزرگی را که خدا به دوششان گذارده بود می‌کردند. به منزل رفتند و به استراحت پرداختند. در اینجا آیات اول سوره مزمل نازل شد. اولین دستور که مربوط به نماز شب بود به حضرت داده و بیان شد که راه برون‌رفت از سختی‌ها و هموار شدن امور تبلیغی و موفقیت شما ارتباط عبادی در شب با ماست:

إِنَّا سَأَلْنَاكَ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا \* إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا.<sup>۲</sup>

ما سخنی سنگین بر تو نازل خواهیم کرد. بی‌گمان، شب‌خیزی بیشتر موافقت [دل و زبان] در بردارد و از لحاظ سخن استوارتر است.

در واقع، قرآن راه مؤثر واقع شدن رسالت و تبلیغ را به آن حضرت تعلیم می‌دهد، و آن این است که کسی که بخواهد در بدنه جامعه حیات و پویایی معنوی ایجاد کند باید از طریق عبادت ابتدا و بیشتر به خود پردازد.

سنگین بودن قرآن از چند جهت است:

۱. فهم معنا؛

۲. اجرای معارف اعتقادی و اخلاقی در خود؛

۳. مسلط کردن این دین بر سایر ادیان. لذا باید کوشید و با بندگی خدا از او کمک گرفت.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، خطبه ۱۹۹.

۲. مزمل / ۶ - ۵.

۳. فخر رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۶۸۴.

## ۶. بازدارندگی از زشتی‌ها و گناهان

در موضوع روزه که از عبادات برجسته است، در قرآن آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.<sup>۱</sup>

ای مؤمنان، بر شما روزه مقرر شده است؛ همچنان که بر کسانی که پیش از شما بودند نیز مقرر شده بود. باشد که تقوا پیشه کنید.

در اثربخشی روزه در تقوا و حیات طیبه از ناحیه خدا تردیدی نیست، بلکه آوردن «لعل» در آخر آیه درباره متعلق حکم است که عابد چگونه روزه بگیرد.

اگر عبادت به معنای واقعی آن کامل و صحیح انجام گیرد، با توجه به محتوای آن در اصلاح عمل مؤثر، و منتهی به تحصیل و ارتقای حیات طیبه خواهد شد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.<sup>۲</sup>

بخوان و نماز را به پا دار، که نماز از ناشایستی و زشتکاری باز می‌دارد.

فحشا جمع فاحشه به معنای قبیح و زشتی زیاد است. منکر به معنای چیزی است که مورد انکار قرار گرفته و در اینجا به معنای معصیت است که عقل و شرع آن را رد و انکار می‌کند.<sup>۳</sup>

در ادامه آیه مورد بحث آمده است: «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»، که ذیل آن بعضی مفسران چنین آورده‌اند:

هر آینه صلوات که متضمن یاد کردن خداست، بزرگ‌تر است از سایر طاعات و یا از آن بزرگ‌تر است که بر صاحب خود موجب عقوبت فحشا و منکر باقی گذارد و نزد اکثر، مراد مطلق ذکر خدای متعال است.<sup>۴</sup>

## ۷. آرامش‌دهنده دل‌ها

از دیگر زمینه‌ها و آثار عبادت در تحصیل و ارتقای حیات طیبه نرمی و لطافتی است که به روح داده می‌شود. وقتی حداقل در شبانه‌روز ده بار «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»<sup>۵</sup> فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌خواهیم» را تکرار کردیم و به آن معتقد بودیم، طبیعی است که چنین اتکایی باعث

۱. بقره / ۱۸۳.

۲. عنکبوت / ۴۵.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸۵.

۴. کاشانی، تفسیر خلاصه المنهج، تصحیح ابوالحسن شعرانی، ج ۴، ص ۲۰۵.

۵. حمد / ۴.



آرامش خاطر خواهد شد. به همین سبب فرمود: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛<sup>۱</sup> بدانید با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد».

مقابل آرامش اضطراب، تحت فشار بودن و راحت نبودن است. بنابراین، اگر کسی به این دستور بسیار مهم خدا، یعنی بندگی در قالب نماز، روی نیورد، دچار ضیق و تنگی و اضطراب خواهد شد، و حیات ایمانی و طیبه را از دسترس خود دور می‌کند:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.<sup>۲</sup>

هرکس از یاد من روی بگرداند زندگانی او تنگ خواهد بود و او را روز قیامت نابینا برانگیزانیم.

#### ۸. ارزش‌دهنده به کار مادی

نقش عبادت در حیات طیبه آن قدر قدرتمند است که علاوه بر پذیرش آثار عبادت به معنای خاص آن، امور مادی را نیز می‌تواند مؤثر در حیات طیبه کند. آیه ده سوره جمعه دستور می‌دهد وقتی نماز جمعه را اقامه کردید، در مسجد معطل نشوید. بروید سراغ «فضل الله»؛ یعنی تلاش مادی روزانه که بعد از عبادت قرار می‌گیرد عنوان «فضل الله» پیدا می‌کند؛ اما اگر دنیایی به دست آوردیم که با کنار گذاشتن عبادت حاصل شد، می‌شود لهُو، که در آیه بعد آن را شرح داده است:

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ  
وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.<sup>۳</sup>

چون دادوستدی یا سرگرمی ببینند، پراکنده شوند و به سوی آن بشتابند و تو را ایستاده رها کنند. بگو آنچه نزد خداوند است از سرگرمی و از دادوستد بهتر است و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است.

#### ۹. آسیب‌زدایی از مسیر حیات طیبه

همان‌گونه که عبادت زمینه‌ساز تحصیل و رشد حیات ایمانی می‌شود، از مسیر کمال آسیب‌زدایی، و رسیدن به مقصود را آسان می‌کند. عبادت نه‌تنها عامل ایجاد تقوا با آن‌همه آثار، و مانع فحشا و منکر می‌شود، بلکه گناهانی را که انجام گرفته است نیز از بین می‌برد:

۱. رعد / ۲۸.

۲. طه / ۱۲۴.

۳. جمعه / ۱۱.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ.<sup>۱</sup>  
و نماز را در آن سو و این سوی روز و در پاس هایی از شب بر پا دار. همانا طاعات  
گناهان را می‌زداید. این پند برای پندگیران است.

امام علی علیه السلام در این باره می‌گویند: «وَأَنَّهَا لَتَحْتُ الذُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ»<sup>۲</sup> نماز گناهان را فرو می‌ریزد،  
همچون ریزش برگ از درختان». به تعبیر **نهج البلاغه**، عبادت به مکان و مقصدی منتهی نمی‌شود و شب  
و روز و تیرگی و اندوه و کدورت ندارد: «ومن النار حجازاً ووقایه»<sup>۳</sup>.

### نتیجه

با توجه به اینکه خداوند متعال بشر را برای تکامل آفریده، طبیعتاً ابزار آن را هم در اختیار او قرار داده  
است. ابزار این تعالیم فطرت الهی درونی و عبادت بیرونی است. در این پژوهش، نقش عبادات در  
تحصیل و ارتقای حیات طیبه در قرآن و روایات بررسی، و این نتایج حاصل شد:

- واژه‌های عبادت، معنویت و... اموری تشکیکی و دارای درجات و مراتب گوناگون هستند؛
- حیات دارای مراتب گوناگونی است که می‌توان آن را در هشت مرتبه حیات نباتی، حیوانی، انسانی،  
طیبه، برزخی، اخروی، عند رب و ذاتی بیان کرد؛
- بارزترین مصداق عمل صالح یعنی عبادت و همراه شدن آن با ایمان، دو رکن نتیجه‌بخش حیات  
طیبه است. کیفیت حیات برزخی، حضور و قیامت به چگونگی حیات طیبه خواهد بود؛
- قرآن کریم طی ده‌ها آیه با بیان آثار زیبای عبادت و رسیدن به حیات طیبه این مطلب مهم را اثبات  
کرده است که رسیدن به چنین جایگاهی بدون بندگی خالصانه خداوند متعال امکان‌پذیر نیست؛
- بعضی از آثار عبادت در حیات طیبه که با مراجعه به قرآن به دست آمد، عبارت‌اند از: تسلیم، خروج  
از غفلت، حصول تقوا، آزادگی و ترک تعلق و آسان شدن مسئولیت‌های سنگین.

### منابع و مأخذ

#### قرآن کریم.

**نهج البلاغه**، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۱. هود / ۱۱۴.

۲. **نهج البلاغه**، تصحیح صبحی صالح، خطبه ۱۹۹.

۳. همان.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱۴، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- انصاری، محمدعلی، *مشکات* (تفسیر قرآن کریم)، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۹۲.
- حلی، یحیی بن سعید، *نزهة الناظر*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۶ ق.
- دهقانی، میلاد و همکاران، «نقش اخلاص در عبادات برای رسیدن به حیات معنوی»، در: *کنفرانس دین، معنویت و کیفیت زندگی*، مشهد، ۱۳۹۸.
- رازی، فخرالدین، *تفسیر مفاتیح الغیب*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- رشدی الزین، محمد بسام، *المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم*، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
- رودگر، محمدجواد، «تمهیدات سلوک تا شهود در نهج البلاغه با تأکید بر شرح ابن میثم»، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره هفدهم، ش ۵۶، ۱۳۹۷، ص ۳۰-۹.
- سبحانی، جعفر، *الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل*، قم، المرکز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.
- سبزواری، ملاهادی، *شرح منظومه*، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، تهران، نشر ناب، ۱۳۷۹.
- سجادی، سید جعفر، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طبرسی، الشیخ ابوعلی الفضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۳۹.
- فهیمی، شریفه، «نقش دعا در تکامل معنوی انسان»، دوفصلنامه تخصصی *کلام حکمت*، سال اول، ش ۲، ۱۳۹۷، ص ۶۳-۵۳.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- کاشانی، ملافتح‌الله، *تفسیر خلاصة المنهج*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۴.
- کشاورز، یونس، «تأثیر نماز و نیایش در تقویت ابعاد معنوی انسان»، مجله *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، سال سوم، ش ۲۷، ۱۳۹۹، ص ۱۵۱-۱۴۴.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۲.
- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۵، تهران، صدرا، ۱۳۸۸.

